

نگاهی نوبه

سهم الارث فرزندان در قرآن

○ سید محمد جواد موسوی *

چکیده

در آیه ۱۱ سوره نساء در مورد تقسیم ارث بین فرزندان ابتدا آمده است: «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَّانِ»؛ سپس سهم بیشتر از دو دختر دو سوم، و سهم یک دختر نصف تعیین شده است. در ادامه، سهم غیر فرزندان؛ یعنی پدر و مادر، هر کدام یک ششم، شوهر یک چهارم، و همسر یک هشتم تعیین شده است.

در این تحقیق در صدد هستیم تا اثبات کنیم که خداوند در قرآن کریم سهم همه ورثه را ثابت و از اصل مال تعیین فرموده؛ بلکه سهم غیر فرزندان را ثابت و از اصل مال، و سهم دختران را متغیر و از باقی مانده مال تعیین فرموده است و در صورتی برای دختر یا دختران سهم معینی مشخص فرموده که فرزندان شامل دختر و پسر باشند، نه در صورتی که

فرزندان فقط دختر باشند؛ زیرا اگر مانند مشهور علما قائل شویم برای فرزندان در صورتی که تنها دختر باشند سهم معینی مشخص شده است، در این صورت جمع سهام ورثه عدد یک نمی شود؛ به عبارت دیگر جمع صور بیشتر از مخرج مشترک می شود. لذا به نظر می رسد با توجه به قرینه کلام، معنای آیه: «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» این است که اگر فرزندان شامل پسر و دو دختر باشند، پسر در مجموع مثل دو دختر ارث می برد؛ یعنی سهم دو دختر نصف، و نصف دیگر سهم پسران است؛ خواه یک پسر باشد یا بیشتر. در فراز بعدی آیه، سهم فرزندان اگر شامل پسر و بیشتر از دو دختر باشند مشخص می شود؛ به این صورت که سهم دختران دو سوم تعیین شده و یک سوم باقی مانده سهم پسر است. در فراز آخر، سهم فرزندان اگر شامل اولاد پسر و یک دختر باشد مشخص می شود؛ به این صورت که سهم یک دختر نصف تعیین شده و نصف دیگر سهم پسر است. اگر همه فرزندان دختر یا پسر باشند، سهم معینی ندارند؛ بلکه سهم آنها با معین شدن سهم غیر فرزندان و مقید شدن سهم آنها به وجود فرزند مشخص می شود. کلید واژگان: آیات ارث، روایات ارث، سهم الارث، عول و تعصیب.

طرح مسئله

یکی از مباحث مهم و اختلافی بین فقهای شیعه و سنی، بحث عول و تعصیب است. در اصطلاح فقهی اگر جمع سهام تعیین شده در قرآن کریم برای ورثه، بیشتر از اموال میت شود، به آن «عول» می گویند؛ مثل اینکه وارثان، سه دختر، پدر، مادر و شوهر باشند؛ زیرا مشهور علما معتقدند سهم پدر و مادر، هر کدام یک ششم، سهم شوهر یک چهارم، و سهم فرزندان اگر تنها سه دختر باشند، دو سوم است. بنابراین جمع سهام آنها پانزده دوازدهم می شود. طبق نظر فقهای اهل سنت در این فرض، از سهم همه ورثه به نسبت سهمشان کم می شود و طبق نظر فقهای شیعه فقط از سهم دختران کم می شود. همچنین اگر جمع سهام تعیین شده در قرآن کریم برای ورثه، کمتر از اموال میت شود، به آن «تعصیب» می گویند؛ مانند اینکه

وارثان، یک دختر و پدر میت باشند؛ زیرا مشهور علما معتقدند سهم پدر یک ششم، و سهم فرزند اگر فقط یک دختر باشد، نصف است. بنابراین جمع سهم آنها چهار ششم می شود. طبق نظر فقهای اهل سنت در این فرض، زیادی مال فقط به پدر داده می شود و به نظر فقهای شیعه، زیادی مال به پدر و دختر داده می شود. ریشه اختلاف بین فقهای شیعه و سنی این است که آنها اتفاق نظر دارند در تمام فروض، عمل به ظاهر سهام تعیین شده در قرآن کریم ممکن نیست؛ زیرا در برخی فروض جمع سهام تعیین شده در قرآن کریم برای ورثه بیشتر از اموال میت، و در برخی فروض کمتر می شود.

ما در این نوشتار درصدد هستیم تا ریشه اختلاف را از بین ببریم و اثبات کنیم که در تمام فروض، عمل به ظاهر سهام تعیین شده در قرآن کریم ممکن است؛ زیرا در هیچ فرضی جمع سهام تعیین شده در قرآن کریم برای ورثه، بیشتر و یا کمتر از اموال میت نمی شود.

در این مقاله پس از بیان نظریه مشهور مفسران و فقیهان درباره سهم الارث فرزندان، اشکالات نظریه مشهور و راه حل های آنها بررسی و نقد، و پس از آن، نظریه جدید به صورت استدلالی بیان شده است.

نظریه مشهور فقها و مفسران

برداشت مشهور مفسران و فقهای فریقین از آیه «لِلذَّكَرِ مِثْلُ مِثْلِ الْأُنثِيَّاتِ»^۱ این است که اگر اولاد میت، دختر و پسر باشند، هر پسر مثل دو دختر ارث می برد. به عبارت دیگر، مشهور علما از این فراز آیه، قانون کلی استخراج کرده اند که در فرضی که اولاد میت، دختر و پسر باشند، هر پسر دو برابر دختر ارث می برد؛ خواه اولاد میت شامل پسر و یک دختر باشد یا دو دختر یا بیشتر از دو دختر. بر

۱. سوره نساء، آیه ۱۱.

همین اساس، آنها معتقدند که فرازهای بعدی آیه، یعنی «فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ»^۲ سهم فرزندان را در صورتی که فقط دختر باشند، مشخص می‌کند؛ ولی ما از آیه «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» این‌گونه برداشت می‌کنیم که این فراز، حکم فرضی را بیان می‌کند که فرزندان میت، شامل پسر و دو دختر باشند. در فرازهای بعدی، حکم فرضی بیان می‌شود که فرزندان شامل پسر و بیشتر از دو دختر یا یک دختر باشند و در ادامه آیه، سهم سایر ورثه چنین تعیین شده: پدر و مادر هر کدام یک ششم «وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَكُلٌّ»^۳؛ شوهر یک چهارم «فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَكُلٌّ فَلِكُلِّ مِّنْهُمُ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَ»؛ و همسر یک هشتم «فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَكُلٌّ فَلَهُنَّ الثَّمَنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ»^۴. بنابراین نتیجه برداشت مشهور علما این است که اگر فرزندان، فقط پسر یا شامل دختر و پسر باشند، سهم ثابت و معینی ندارند؛ ولی اگر فرزندان فقط دختر باشند، مانند غیر فرزندان، یعنی پدر، مادر، شوهر و همسر، سهم ثابت و معین دارند.

نقد نظریه مشهور علما

۱. مشهور علما ضمیر «کن» را که جمع مؤنث است و به ظاهر باید به جمع مؤنث؛ یعنی نساء برگردد، به جمع مذکر یعنی اولاد برمی‌گردانند و ضمیر «کانت» را که مفرد مؤنث است و باید به مفرد مؤنث؛ یعنی انثی برگردد، به مفرد مذکر؛ یعنی ولد ارجاع می‌دهند؛^۵ زیرا اگر ضمیر را به نساء و انثی برگردانند، آیه فقط بر تعداد

۲. همان.

۳. همان.

۴. فخررازی، تفسیر کبیر، ج ۹، ص ۲۰۵؛ زمخشری، تفسیر کشاف، ج ۱، ص ۴۸۰؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۲؛ شیخ طوسی، تفسیر تبیان، ج ۴، ص ۳۷۱-۳۸۱.

۵. البته بازگرداندن ضمیر جمع مؤنث به اولاد و مفرد مؤنث به فرزند، دارای توجیه ادبی است؛ ولی خلاف ظاهر است.

دخترهای میت دلالت می‌کند و بر انحصار فرزندان به دختر دلالت نمی‌کند.

۲. مشهور علما معتقدند: «فَوْقَ اثْنَتَيْنِ» بر دو دختر و بیشتر از دو دختر دلالت می‌کند؛ در صورتی که ظاهر آن دلالت می‌کند که منظور بیشتر از دو دختر است. البته چون در قرآن به سهم دو دختر تصریح نشده است، مشهور فقها معتقدند: «فَوْقَ اثْنَتَيْنِ» بر دو دختر نیز دلالت می‌کند.

۳. ظاهر آیات ارث (آیات ۱۱، ۱۲ و ۱۷۶ سوره نساء) دلالت می‌کند که سهم همه ورثه از اصل مال نیست؛ زیرا بعد از تعیین سهم بعضی از ورثه لفظ «ما ترك»، و بعد از تعیین سهم بعضی دیگر لفظ «مِمَّا تَرَكَ» آمده است. مشهور علما از این اختلاف ظاهر الفاظ قرآن هیچ استفاده‌ای نمی‌کنند و معتقدند که سهم همه ورثه از اصل مال تعیین شده است. لذا همواره با مشکل افزایش سهام ورثه روبه‌رو می‌شوند.

۴. مشهور علما می‌پذیرند که عمل به ظاهر سهام تعیین شده در قرآن کریم ممکن نیست و این خود بهترین گواه است که برداشت ایشان خلاف ظاهر قرآن است.

۵. نتیجه مشهور علما بر خلاف حکم عقل است؛ زیرا اگر فرزندان فقط دختر باشند، سهم آنها با معین شدن سهم غیر فرزندان و مقید کردن سهم آنها به وجود فرزند مشخص می‌شود و تعیین سهم ثابت و معین برای دختران باعث تعارض سهام ورثه می‌گردد؛ زیرا از یک طرف سهم فرزندان اگر بیشتر از دو دختر باشد، دو سوم تعیین شده و از طرف دیگر جمع سهم غیر فرزندان که سهم آنها مقید به وجود فرزند شده، بیشتر از نصف تعیین شده است و جمع دو سوم و نصف، ممکن نیست.

۶. نتیجه مشهور علما خلاف قانون ریاضی است؛ زیرا از نظر علم ریاضی همه ورثه نباید سهم ثابت و معینی داشته باشند؛ چرا که در این صورت در برخی

فروض که همه ورثه وجود دارند، جمع سهام آنها بیشتر از اموال می شود و در برخی فروض که بعضی از ورثه وجود ندارند، جمع سهام آنها کمتر از اموال میت می شود. ما معتقدیم که خداوند حکیم در تمامی فروض، چه میت فرزند داشته باشد و چه نداشته باشد، این قانون را مد نظر داشته است. لذا همواره در آیات ارث، سهم بعضی از ورثه را ثابت و از اصل مال تعیین فرموده و برای بعضی از ورثه سهم معینی مشخص نفرموده یا سهم متغیری تعیین فرموده و باقی مانده سهم آنها را برای اشخاصی که سهم ثابت و متغیری ندارند، ولی نام آنها جزء ورثه است، قرار داده؛ مثل سهم پسر در صورتی که میت فرزند داشته باشد و سهم پدر در فرضی که میت فرزندی نداشته باشد و سهم مادر در صورتی که میت فرزند و پدر نداشته باشد. لذا در هیچ فرضی، جمع سهام تعیین شده در قرآن کریم برای ورثه، بیشتر یا کمتر از اموال میت نمی شود.

بنابراین برداشت مشهور علما خلاف ظاهر قرآن و نتیجه آن نیز خلاف قانون ریاضی است. برای روشن شدن مطلب، مشکلات این نظریه و راه حل های آن را بیان می کنیم.

مشکلات نظریه مشهور علما

۱. زیاد بودن سهام ورثه: طبق استنباط مشهور علما در برخی فروض، جمع سهام تعیین شده در قرآن کریم برای ورثه بیشتر از اموال میت می شود؛ مثل فرضی که وارثان، سه دختر، پدر، مادر و زوج باشند؛ زیرا آنها معتقدند سهم فرزندان اگر فقط سه دختر باشند دو سوم، سهم پدر و مادر جمعاً یک سوم، و سهم زوج یک چهارم تعیین شده است که جمع سهام آنها پانزده دوازدهم می شود. بنابراین در این فرض به اندازه یک چهارم سهم ورثه زیاد است و اموال میت کم می آید. در اصطلاح فقهی به این مشکل، «عَوَل» می گویند.

۲. کم بودن سهام ورثه: طبق استنباط مشهور علما در برخی از فروض، جمع سهام تعیین شده در قرآن کریم برای ورثه، کمتر از اموال میت می شود؛ مانند فرضی که وارثان، یک دختر و پدر میت باشند؛ زیرا آنها معتقدند سهم فرزند اگر فقط یک دختر باشد نصف، و سهم پدر یک ششم تعیین شده است که جمع سهم آنها چهار ششم می شود. بنابراین در این فرض به اندازه دو ششم سهم ورثه کم می آید و اموال میت زیاد می آید. در اصطلاح فقهی به این مشکل، «تعصیب» می گویند.

راه حل های مشکل افزایش سهام ورثه

الف) راه حل عمر بن خطاب

عمر بن خطاب معتقد است در صورتی که جمع سهام تعیین شده در قرآن کریم برای ورثه، بیشتر از اموال میت شود، مانند فرضی که وارثان، سه دختر، پدر، مادر و شوهر باشند، نقص به سهم همه وراثت وارد می شود. اکثر اهل سنت و صحابه تابع نظر عمر بن خطاب هستند.^۶

دلیل عمر بن خطاب و برخی از فقهای اهل سنت

عمر بن خطاب وقتی برای اولین بار به مشکل افزایش سهام ورثه برخورد، به صراحت اعتراف کرد نمی دانم سهم کدام یک از ورثه را به طور کامل پرداخت کنم و نقص به سهم چه کسی وارد کنم. وی پس از مشورت، تصمیم گرفت از سهم همه ورثه به نسبت کم کند.^۷ اکثر اهل سنت این مسئله را با مسئله دیون و وصیت قیاس

۶. ابن قدامه مقدسی، المغنی، ج ۶، ص ۱۸۴؛ شیخ طوسی، الخلاف، ج ۴، مسئله ۸۱، ص ۷۳؛ مصطفوی، فقه مقارن، ص ۴۹۱-۴۸۱؛ علم الهدی، الانتصار، ص ۵۶۸-۵۶۱؛ مغنیه، فقه امام جعفر صادق (ع)، ج ۵ و ۶، ص ۲۱۵-۲۱۷؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۱۰۷-۱۰۹.
۷. نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۱۰۶.

می‌کنند؛ زیرا آنان معتقدند در صورتی که طلب طلبکاران بیشتر از اموال بدهکار شود یا وصیت وصیت‌کننده برای چند موصی له بیشتر از یک سوم شود و ورثه اجازه بیشتر از ثلث را ندهند، به نسبت از سهم همه طلبکاران یا موصی له کم می‌شود.^۸

نقد دلیل فقهای اهل سنت

محال نیست که طلب طلبکاران بیشتر از اموال بدهکار شود یا وصیت‌کننده بیشتر از یک سوم وصیت کند و وارثان اجازه بیشتر از ثلث را ندهند؛ اما محال است خداوند حکیم سهمی برای ورثه تعیین کند که در برخی فروض جمع آنها بیشتر از اموال میت شود. بنابراین قیاس این مسئله با دیون و وصیت، صحیح نیست.

ب) راه حل ابن عباس

ابن عباس معتقد است در صورتی که سهام ورثه با هم تداخل کنند، مانند فرضی که وارثان، سه دختر، پدر، مادر و شوهر باشند، سهم پدر، مادر و شوهر به طور کامل پرداخت می‌شود^۹ و هر چه باقی ماند، به دختران داده می‌شود. شیعیان و برخی از اهل سنت مانند ظاهریان و برخی از صحابه و تابعان در این مسئله پیرو ابن عباس هستند.^{۱۰}

البته برخی از علمای بزرگ شیعه مانند سید مرتضی در «الانتصار» نظر و

۸. شهید ثانی، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، ج ۸، ص ۹۶؛ شیخ طوسی، الخلاف، ج ۴، مسئله ۸۱، ص ۷۳؛ مصطفوی، فقه مقارن، ص ۴۹۱-۴۸۱؛ علم الهدی، الانتصار، ص ۵۶۱-۵۶۸؛ مغنیه، فقه امام جعفر صادق (ع)، ج ۵ و ۶، ص ۲۱۵-۲۱۷؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۱۰۷-۱۰۹.

۹. همان.

۱۰. علم الهدی، الانتصار، ص ۵۶۱.

استدلال ابن عباس را نمی پذیرند. ایشان معتقد است به دلیل وجود اجماع، فقط از سهم دختر یا خواهران میت کم می شود؛^{۱۱} ولی علامه حلی در شرایع معتقد است: اگر وارثان، پدر، مادر، زوج و دختر باشند، علاوه بر سهم دختر، از سهم پدر میت نیز کم می شود.^{۱۲}

بنابراین در بین علمای شیعه اجماعی وجود ندارد که در صورتی که جمع سهام ورثه بیشتر از اموال میت شود، از سهم چه کسی کم شود؛ بلکه فقط اجماع وجود دارد که نباید از سهم همه ورثه کم شود. همچنین در پذیرش روایت ابن عباس اجماعی وجود ندارد؛ اگرچه اکثر فقهای شیعه، مانند شهید ثانی در لمعه^{۱۳} و شیخ طوسی در خلاف^{۱۴}، به آن استناد کرده اند و علت کم شدن از سهم دختران یا

۱۱. فَمَا اعْتَمَدَ مِنْ نَفْيِ الْعَوْلِ مِنْ أَصْحَابِنَا وَغَيْرِهِمْ عَلَى أَنَّ الزَّوْجَ وَ الزَّوْجَةَ كَانَتْ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فَرِيضَةٌ فَحَطَّ إِلَى دُونِهَا وَكَذَلِكَ الْأَبْوَانُ حَطًّا مِنْ فَرِيضَةِ إِلَى أُخْرَى وَ الْبَنَاتُ وَ الْأَخْوَاتُ لَمْ يَهْبِطَا مِنْ فَرِيضَةِ إِلَى أُخْرَى فَدَخَلَ النِّقْصَ عَلَى مَنْ لَمْ يَلْحَقْهُ نَقْصٌ أُولَى مِنْ دَخُولِهِ عَلَى مَنْ نَقَصَ . فَلَيْسَ بِشَيْءٍ وَ إِنَّمَا هُوَ دَعْوَى مُحَضَّةٌ ...

و هم پروون هذا الترجيح عن ابن عباس وإذا صح عنه فلا حجة فيه لما اشرنا إليه . و المعتمد في نفي العول على ما قرناه . (والذي يدل على صحة ما ذهبنا إليه : إجماع الطائفة عليه ؛ فانهم لا يختلفون فيه و قد بينا أن أجمعهم حجة) : (علم الهدى ، الانتصار ، ص ۵۶۳) .

۱۲. العول عندنا - معاشر الإمامية - باطل ؛ لاستحالة أن يفرض الله سبحانه في مال ما لا يقوم به و لا يكون العول إلّا بمزاحمة الزوج أو الزوجة ، فيكون النقص داخلًا على الأب أو البنت أو البنتين ... ، مثل زوج و أبوين و بنت أو زوج و أحد الأبوين و بنتين فصاعدًا أو زوجة و أبوين و بنتين . (شرائع الاسلام ، ج ۴ ، ص ۲۱) . گفتنی است شهید ثانی در لمعه (ج ۸ ، ص ۹۴) معتقد است : علامه حلی در فرضی قائل است نقص به سهم پدر وارد می شود که فرزند وجود نداشته باشد؛ ولی اگر در کلام علامه حلی دقت شود، ایشان فرضی را بیان می کند که میت فرزند دارد؛ زیرا برای نظر خود مثال هایی ذکر می کند که دختر نیز جزء ورثه است .

۱۳. إِنَّمَا ذَكَرْنَا (رواية ابن عباس) ؛ لاشتماله على أمور مهمة منها : بيان علة حدوث النقص على من ذكر : (شهيد ثانی ، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية ، ج ۸ ، ص ۹۲) .

۱۴. دليلنا : اجماع فرقة ... و أيضاً روى الزهري ... فقال : ابن عباس ... (شيخ طوسی ، الخلاف ، ج ۴ ، مسئله ۸۱ ، ص ۷۳) .

خواهران میت را روایت ابن عباس می دانند. در ماده ۹۱۴ قانون مدنی آمده است: «اگر به واسطه بودن چندین نفر صاحبان فرض، ترکه میت کفایت نصیب تمام آنها را نکند، نقص بر بنت و بتین وارد می شود».

دلیل ابن عباس

ابن عباس برخلاف عمر بن خطاب معتقد است در صورت تداخل سهم دختران یا خواهران با سایر ورثه، دختران و خواهران دیگر سهم مشخصی ندارند. براین اساس، ابتدا سهم سایر ورثه به طور کامل پرداخت می شود و اگر مالی باقی ماند، به دختران یا خواهران میت داده می شود.^{۱۵} به دلیل اهمیت این بحث، بخشی از روایت ابن عباس را از کتب شیعه نقل می کنیم. البته راویان این روایت از اهل سنت هستند. در این روایت، ابن عباس نظر شخصی خود را بیان می کند و می گوید:

سبحان الله العظيم، آیا هیچ فکر کرده اید چگونه ممکن است خدایی که عدد ریگ های بیابان را می داند، در سهام ورثه، نصف و نصف و ثلث قرار داده باشد؛ با توجه به اینکه هر مالی که تصور شود، تنها مشتمل بر دو نصف است و دیگر جایی برای ثلث نیست! سپس می گوید: اگر سهم پدر، مادر، شوهر یا همسر با سهم دختران یا خواهران میت تداخل کند، سهم پدر، مادر، شوهر یا همسر به طور کامل پرداخت می شود؛ زیرا مادر، شوهر و همسر در قرآن کریم دو سهم دارند؛ یک سهم در صورتی که میت فرزندی

۱۵. شهید ثانی، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، ج ۸، ص ۹۶؛ شیخ طوسی، الخلاف ج ۴، مسئله ۸۱، ص ۷۳؛ مصطفوی، فقه مقارن، ص ۴۹۱-۴۸۱؛ علم الهدی، الانتصار، ص ۵۶۸-۵۶۱؛ مغنیه، فقه امام جعفر صادق (ع)، ج ۵ و ۶، ص ۲۱۵-۲۱۷؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۱۰۷-۱۰۹.

ندارد و یک سهم در صورتی که میت فرزند دارد، سپس هرچه مال باقی

ماند، به دختران یا خواهران میت داده می شود؛ زیرا دختران و خواهران در

قرآن کریم فقط یک سهم دارند. ۱۶

گفتنی است ابن عباس و همه فقهای اهل سنت اتفاق نظر دارند که اگر جمع سهام

ورثه کمتر از اموال میت شود و مال اضافه بیاید، زیادی مال به دختر، خواهر و مادر

میت داده نمی شود؛ ۱۷ بلکه فقط به عصبه، یعنی مردان خویشاوند داده می شود.

نکته

۱۶۵

نگاهی نو به سهم الارث فرزندان در قرآن

۱۶. فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ، أَتَرَوْنَ أَنَّ الَّذِي أَحْصَى رَمْلَ عَالِجٍ عَدَدًا جَعَلَ فِي مَالٍ نَصْفًا وَنَصْفًا وَتُلَّتًا؟ فَهَذَانِ النِّصْفَانِ قَدْ ذَهَبَا بِالْمَالِ، فَأَيْنَ مَوْضِعُ التُّلَّتِ؟ فَقَالَ لَهُ زُفْرُ بْنُ أَوْسٍ الْبَصْرِيُّ: يَا أَبَا الْعَبَّاسِ، فَمَنْ أَوْلَى مِنْ أَعَالِ الْفَرَائِضِ؟ فَقَالَ: عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ؛ لَمَّا تَمَّتْ عِنْدَهُ الْفَرَائِضُ وَدَفَعَ بَعْضُهَا بَعْضًا، قَالَ: وَاللَّهِ مَا أَدْرَى أَيُّكُمْ قَدَّمَ اللَّهُ وَأَيُّكُمْ آخَرَ، وَمَا أَجِدُ شَيْئًا هُوَ أَوْسَعُ مِنْ أَنْ أَقْسِمَ عَلَيْكُمْ هَذَا الْمَالَ بِالْحِصَصِ، فَأَدْخَلَ عَلَى كُلِّ ذِي حَقٍّ مَا دَخَلَ عَلَيْهِ مِنْ عَوْلِ الْفَرِيضَةِ، وَأَيْمُ اللَّهِ أَنْ لَوْ قَدَّمَ مَنْ قَدَّمَ اللَّهُ، وَآخَرَ مَنْ آخَرَ اللَّهُ، مَا عَالَتْ فَرِيضَةٌ. فَقَالَ لَهُ زُفْرُ بْنُ أَوْسٍ: وَأَيُّهَا قَدَّمَ، وَأَيُّهَا آخَرَ؟ فَقَالَ: كُلُّ فَرِيضَةٍ لَمْ يَهْبِطْهَا اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - عَنْ فَرِيضَةٍ إِلَّا إِلَى فَرِيضَةٍ، فَهَذَا مَا قَدَّمَ اللَّهُ، وَأَمَّا مَا آخَرَ اللَّهُ فَكُلُّ فَرِيضَةٍ إِذَا زَالَتْ عَنْ فَرِيضَتِهَا، لَمْ يَكُنْ لَهَا إِلَّا مَا بَقِيَ، فَتِلْكَ الَّتِي آخَرَ. وَأَمَّا الَّتِي قَدَّمَ، فَالزَّوْجُ لَهُ النِّصْفُ، فَإِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ مَا يُزِيلُهُ عَنْهُ رَجَعَ إِلَى الرَّبِيعِ، وَلَا يُزِيلُهُ عَنْهُ شَيْءٌ؛ وَالزَّوْجَةُ لَهَا الرَّبِيعُ، فَإِذَا زَالَتْ عَنْهُ صَارَتْ إِلَى الثَّمَنِ، لَا يُزِيلُهَا عَنْهُ شَيْءٌ؛ وَالْأَمَّا لَهَا التُّلَّتُ، فَإِذَا زَالَتْ عَنْهُ صَارَتْ إِلَى السُّدُسِ، وَلَا يُزِيلُهَا عَنْهُ شَيْءٌ؛ فَهَذِهِ الْفَرَائِضُ الَّتِي قَدَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. وَأَمَّا الَّتِي آخَرَ، فَفَرِيضَةُ الْبَنَاتِ وَالْأَخَوَاتِ، لَهَا النِّصْفُ وَالتُّلَّتَانِ، فَإِذَا أَرَاكَ الْفَرَائِضُ عَنْ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ لَهَا إِلَّا مَا بَقِيَ، فَتِلْكَ الَّتِي آخَرَ اللَّهُ، فَإِذَا اجْتَمَعَ مَا قَدَّمَ اللَّهُ وَمَا آخَرَ، بُدِيَءَ بِمَا قَدَّمَ اللَّهُ، فَأَعْطِيَ حَقَّهُ كَامِلًا، فَإِنْ بَقِيَ شَيْءٌ كَانَ لِمَنْ آخَرَ اللَّهُ، فَإِنْ لَمْ يَبْقَ شَيْءٌ فَلَا شَيْءَ لَهُ فَقَالَ لَهُ زُفْرُ بْنُ أَوْسٍ: فَمَا مَنَعَكَ أَنْ تُشِيرَ بِهَذَا الرَّأْيِ عَلَى عُمَرَ؟ فَقَالَ: هَيْبَتُهُ. (كَلِينِي، الْكَافِي، ج ۷، ص ۷۹).

۱۷. به عقیده امامیه اگر کسی بمیرد و یک دختر و یک خواهر و جد از او به جا بماند، نصف مال

بالفرض به دختر داده می شود و باقی مانده مال نیز به دلیل آیه «أولوا الأرحام» بالقرابة به او

داده می شود و به خواهر و جد ارث نمی رسد ... بنا به مذهب ابوبکر و ابن عباس به دختر

نصف مال می رسد و بقیه را به عنوان عصبه به جد می دهند. (فقه تطبیقی، شرح و ترجمه

کتاب خلاف شیخ طوسی، ص ۱۳۲، مسئله ۱۰۴؛ سیوطی، درالمنثور، ج ۲، ص ۲۵۱).

نقد دلیل ابن عباس

۱. همان طور که خداوند برای پدر، مادر، زوج و زوجه سهم معینی مشخص کرده، سهم دختر را نیز مشخص کرده است. راه حل مشکل زیادتر بودن سهام ورثه از اموال میت، این نیست که از سهم دختر یا خواهر کم کنیم؛ بلکه باید به دنبال اصلاح استنباط خود از آیات قرآن کریم باشیم تا در آن استنباط، هیچ‌گاه جمع سهامی که خداوند برای وراثت تعیین فرموده، بیشتر یا کمتر از مال میت نشود.

۲. در قرآن کریم برای پدر میت، فقط در صورتی سهمی مشخص شده است که میت فرزند داشته باشد. بنابراین پدر نیز مانند دختر و خواهر میت، در قرآن کریم یک سهم دارد، ولی ابن عباس از سهم پدر کم نمی‌کند.

نکته درخور تأمل

جای بسی تعجب است که اکثر فقهای شیعه در رویارویی با مشکل افزایش سهام ورثه از اموال میت، به روایت ابن عباس استناد می‌کنند و نظر او را نظر حضرت علی (ع) و اهل بیت پیامبر (ص) می‌دانند؛ زیرا ابن عباس و علمای اهل سنت معتقدند که خواهر و برادر میت همراه مادر میت ارث می‌برند؛ ولی علمای شیعه معتقدند در صورتی که مادر یا پدر میت زنده باشند، خواهر و برادر میت ارث نمی‌برند.^{۱۸}

ابن عباس معتقد است: خواهر همراه مادر ارث می‌برد، ولی چون سهم او با سهم شوهر و مادر تداخل می‌کند، باقی مانده مال به او داده می‌شود و سهم او دیگر نصف نیست. بنابراین ابن عباس در این روایت نظر شخصی خود را بیان

۱۸. المسألة المعروفة بالمشاركة وهي زوج وأم وأخوان من أم وإخوة لأب وأم فعند الإمامية إنّ للزوج النصف وللأم باقي المال بالتسمية والرد، وليس للإخوة والأخوات حظ في هذا الميراث. (علم الهدی، الانتصار، ص ۵۷۲)

می‌کند و نظری ارتباطی به نظر حضرت علی (ع) ندارد.

فقه‌های شیعه در این فرض، نصف مال را به شوهر و ثلث آن را به مادر میت می‌دهند و به خواهر ارثی نمی‌دهند. از این رو در این فرض به اندازه یک ششم مال زیاد می‌آورند.^{۱۹} البته در روایت ابن عباس از طریق شیعه، به نام وارثانی که سهمشان نصف و ثلث است، اشاره نشده است؛ اما در روایت ابن عباس از طریق اهل سنت، به نام وارثان که سهمشان نصف و ثلث است، اشاره شده است. در روایت ایشان آمده که ابن عباس در فرضی که وارثان، شوهر، خواهری که از یک پدر و مادر است و مادر میت باشند، چنین گفته؛^{۲۰} زیرا به اعتقاد مشهور علما سهم شوهر در صورتی که همسرش اولاد نداشته باشد نصف، و سهم خواهری که از یک پدر و مادر است نیز نصف، و سهم مادر در صورتی که میت فرزند و اخوه

۱۹. البته ما معتقدیم در این فرض، مادر سهم مشخص ندارد و باقی مانده سهم شوهر به مادر داده می‌شود؛ زیرا زمانی سهم مادر ثلث است که سه شرط وجود داشته باشد: ۱. میت فرزندی نداشته باشد؛ ۲. پدر و مادر، هر دو وارث باشند؛ ۳. میت اخوه (برادر یا خواهر) نداشته باشد؛ زیرا در آیه ۱۱ سوره نساء آمده است: «... فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ آبَاؤُهُ فَلِأُمَّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمَّهِ السُّدُسُ...». در این فرض، شرط دوم وجود ندارد. بنابراین مادر سهم مشخصی ندارد. در برخی روایات نیز تصریح شده اگر وارث، شوهر و مادر باشند، سهم شوهر نصف و مابقی سهم مادر است: «فإن تركت امرأة زوجها وأمها فللزوجة النصف وما بقي فللأم». (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۶۸) اما علمای شیعه و سنی معتقدند برای اینکه سهم مادر ثلث باشد، دو شرط لازم است: ۱. میت فرزند نداشته باشد؛ ۲. میت خواهر و برادر نداشته باشد. در ماده ۹۰۳ قانون مدنی نیز آمده است: فرض دو وارث، ثلث ترکه است: ۱. مادر متوفی در صورتی که میت اولاد و اخوه نداشته باشد. ۲. کلاله امی در صورتی که بیش از یکی باشند.

۲۰. در روایت اهل سنت آمده است: «روی عن ابن عباس أنه قال «في زوج وأخت وأم: من شاء باهله أن المسائل لا تعول؛ إن ألدی أحصى رمل عالج عدداً أعدل من أن يجعل في مال نصفاً و نصفاً و ثلثاً هذان نصفان ذهباً بالمال، فاین موضع الثلث؟» متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۲۷ بیهقی؛ السنن الکبری، ج ۶، ص ۲۵۳؛ ابن قدامه مقدسی، المغنی، ج ۷، ص ۲۶.

نداشته باشد ثلث است .

البته در یک فرض دیگر ممکن است دو وارث سهمشان نصف و یک وارث سهمش ثلث باشد و آن فرضی است که وارثان میت، شوهر و یک خواهر که از یک پدر و مادر است و دو خواهر مادری باشند؛ زیرا علمای شیعه و سنی معتقدند سهم شوهر نصف، و سهم یک خواهر که از یک پدر و مادر است نیز نصف، و سهم دو خواهر مادری ثلث است. ولی استدلال ابن عباس این فرض را در برنمی‌گیرد؛ چرا که خواهری که از یک پدر و مادر است و خواهر مادری هر دو یک سهم دارند و فقهای شیعه معتقدند: در این فرض، فقط از سهم خواهر پدر و مادری کم می‌شود و سهم او را از نصف به یک ششم کاهش می‌دهد؛ زیرا اگر مال زیاد می‌آمد، فقط به خواهر پدر و مادری داده می‌شد.

راه حل‌های مشکل کاهش سهام ورثه

الف) راه حل اهل سنت

فقهای اهل سنت و ابن عباس معتقدند در صورتی که جمع سهام تعیین شده در قرآن کریم برای ورثه کمتر از اموال میت شود و وارثی نباشد که سهم مشخص نداشته باشد، مانند فرضی که وارثان، یک دختر، مادر و پدر میت باشند، زیادی مال فقط به عصبه میت، یعنی به خویشاوندان پدری و مردان آنها داده می‌شود. بنابراین زیادی مال به ترتیب به پدر، برادر و عموی میت می‌رسد، ولی به دختر، مادر و خواهر میت چیزی اضافه تر از سهمشان داده نمی‌شود.^{۲۱}

۲۱. ابن قدامه مقدسی، المغنی، ج ۶، ص ۱۷۹؛ مصطفوی، فقه مقارن، ص ۴۷۷؛ شیخ طوسی، الخلاف، مسئله ۸۰، ص ۶۸؛ مغنیه، فقه امام جعفر صادق (ع)، ج ۵ و ۶، ص ۲۱۵-۲۱۰؛ شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۸، ص ۹۶؛ سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر الماثور، ج ۲، ص ۲۵۱.

دلیل اهل سنت

فقهای اهل سنت، برای اثبات نظر خود به این روایت از پیامبر (ص) استناد می کنند: «ألحقوا الفرائض بأهلها فما بقي فهو الأولى رجل ذكراً؛ سهم صاحبان فرض را پردازید و هر چه مال اضافه آمد، برای مردان نزدیک میت است».^{۲۲}

ب) راه حل مشهور شیعه

فقهای شیعه معتقدند در صورتی که جمع سهام تعیین شده در قرآن کریم برای ورثه کمتر از اموال میت شود و وارثی نباشد که سهم مشخص نداشته باشد، مانند فرضی که وارثان، یک دختر، مادر و پدر میت باشند، زیادی مال به صاحبان سهم داده می شود، ولی به شوهر و همسر به طور مطلق، و به مادر با وجود مانع،^{۲۳} چیزی اضافه تر از سهمشان داده نمی شود.^{۲۴}

در ماده ۹۱۴ قانون مدنی آمده است: «... و اگر پس از موضوع کردن نصیب صاحبان فرض، زیادتی باشد و وارثی نباشد که زیاده را به عنوان قرابت ببرد، این زیاده بین صاحبان فرض بر طبق مقررات مواد فوق تقسیم می شود؛ لکن زوج و زوجه مطلقاً و مادر اگر حاجب داشته باشد، از زیادی چیزی نمی برد».

البته برخی از فقهای گذشته شیعه^{۲۵} و حتی معاصران^(ع) و برخی از مفسران

۲۲. همان.

۲۳. فقهای شیعه معتقدند: اگر میت دو برادر و بیشتر، یا چهار خواهر و بیشتر یا یک برادر و دو خواهر داشته باشد مانع (حاجب) می شوند سهم مادر از یک ششم بیشتر شود؛ البته به شرط اینکه برادران و خواهران ابوینی باشند و پدر میت نیز جزء ورثه باشد.

۲۴. مصطفوی، فقه مقارن، ص ۴۷۷؛ شیخ طوسی، الخلاف، مسئله ۸۰، ص ۶۸؛ مغنیه، فقه امام جعفر صادق (ع)، ج ۵ و ۶، ص ۲۱۰-۲۱۵؛ شهید ثانی، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، ج ۸، ص ۸۰.

۲۵. ر. ک: شهید ثانی، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، ج ۸، ص ۸؛ کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۷۹.

عصر حاضر^{۲۶} معتقدند که زیادی مال فقط به دختران داده می شود و به پدر و مادر چیزی اضافه تر از سهمشان داده نمی شود؛ همان طور که اگر مال کم می آمد، فقط از سهم دختران کم می شد و دلیل حکم خود را روایات اهل بیت (ع) می دانند.^{۲۷} بنابراین بین فقها و مفسران شیعه اجماعی وجود ندارد که اضافه مال به چه کسی داده شود.

دلیل فقهای مشهور شیعه

۱. دلیل قرآنی: «... وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ ...» ؛ و در کتاب خدا خویشاوندان در ارث، بعضی شان بر بعضی دیگر اولویت دارند».^{۲۸}

۲. دلیل روایی: در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «المال للأقرب والعصبه في فيه التراب؛ زیادی مال، برای خویشاوندان نزدیک است و به عصبه چیزی داده نمی شود».^{۲۹} علمای شیعه از این آیه و روایت استنباط کرده اند تا زمانی که دختر و مادر میت زنده هستند، عصبه، یعنی برادر و عموی میت ارث نمی برند. در نتیجه زیادی مال را علاوه بر پدر به دختر و مادر میت نیز می دهند.^{۳۰} جمع روایت پیامبر (ص) و امام صادق (ع): عصبه در روایت پیامبر (ص) به معنای پسر و پدر است؛ عصبه ای که در روایت امام صادق (ع) بیان شده ارث

۲۶. مانند علامه طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۲۱۴.

۲۷. مانند روایت امام صادق (ع) که در آن آمده است: «الولد والإخوة هم الذين يزدون و ينقصون»؛ (حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۶، ص ۸۳، ح ۱۶).

۲۸. سوره احزاب، آیه ۶.

۲۹. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۶، ص ۸۵، باب بطلان تعصیب، ح ۱.

۳۰. مصطفوی، فقه مقارن، ص ۴۷۷؛ شیخ طوسی، الخلاف، مسئله ۸۰، ص ۶۸؛ مغنیه، فقه

امام جعفر صادق (ع)، ج ۵ و ۶ ص ۲۱۰-۲۱۵؛ شهید ثانی، الروضة البهية فی شرح اللمعة

الدمشقية، ج ۸، ص ۹۴.

نمی‌برد، به معنای برادر میت است؛ آن هم در فرضی که میت دختر داشته باشد. بنابراین می‌توان این دو روایت را با هم جمع کرد، به طوری که با هم تضاد نداشته باشند.

اگر عصبه در روایت پیامبر(ص) را به معنای برادر میت بگیریم و قائل شویم که دختر همراه برادر میت ارث می‌برد، این استنباط خلاف نص قرآن است؛ زیرا طبق نص قرآن با وجود فرزند برای میت، برادر و خواهر او ارث نمی‌برند که إن شاء الله در جای خود به ادله آن خواهیم پرداخت. البته فقهای شیعه معتقدند که با وجود دختر برای میت، برادران میت ارث نمی‌برند؛ ولی فقهای اهل سنت و ابن عباس معتقدند که برادران میت همراه دختر میت ارث می‌برند.

نظریه جدید

از آنجا که خداوند متعال در قرآن کریم سهم پدر، مادر، و همسر میت را در صورتی که میت فرزند داشته باشد، به صورت واضح معین کرده و فرموده سهم پدر و مادر، هر کدام یک ششم، زوج یک چهارم، و زوجه یک هشتم است، لذا به تبع سهم آنها سهم فرزندان میت مشخص می‌شود.

بنابراین آنچه سهم فرزندان میت را زیاد یا کم می‌کند، وجود دیگر وراث است و کم یا زیاد بودن فرزندان در اصل سهم آنها اثری ندارد. برای مثال اگر میت، زن، و میراث او ششصد هزار تومان باشد و وارثانش فقط فرزندان باشند، تمام اموال به آنها داده می‌شود و اگر وارثان او، پدر و فرزندان باشند، سهم پدر صد هزار تومان است و مابقی مال؛ یعنی پانصد هزار تومان سهم فرزندان میت است. اگر مادر نیز به ورثه اضافه شود، سهم مادر هم صد هزار تومان خواهد بود و سهم پدر تغییر نمی‌کند. اگر شوهر نیز به ورثه اضافه شود، سهم او هم صد و پنجاه هزار تومان خواهد بود و سهم پدر و مادر تغییر نمی‌کند، ولی سهم فرزندان با زیاد شدن

سایر ورثه تغییر می کند؛ چرا که سهم آنها در هر صورت باقی مانده مال است. اگر اولاد میت، همگی دختر یا پسر باشند، روشن است که باقی مانده مال به طور مساوی بین آنها تقسیم می شود. اما اگر فرزندان، شامل دختر و پسر باشند، روشن و واضح نیست اموال میت باید چگونه بین آنها تقسیم شود. چند فرض می توان تصور کرد:

۱. دختر و پسر به طور مساوی ارث ببرند؛

۲. پسر بیشتر از دختر ارث ببرد؛

۳. دختر بیشتر از پسر ارث ببرد؛

۴. فقط برای دختر سهم خاصی تعیین شود؛ یعنی اگر بین فرزندان یک دختر باشد، سهم یک دختر و اگر بین آنها دو دختر باشد، سهم دو دختر و اگر بین آنها بیشتر از دو دختر باشد، سهم بیشتر از دو دختر مشخص شود و باقی مانده سهم یک دختر و بیشتر از آن، سهم پسر (یک پسر یا بیشتر) باشد؛

۵. برعکس فرض چهارم، یعنی برای یک پسر، دو پسر و بیشتر از آن سهم خاصی معین شود و باقی مانده سهم آنها سهم دختران (یک دختر یا بیشتر) باشد. با این مقدمه وارد اصل بحث می شویم تا مشخص شود خداوند متعال اموال میت را بعد از کسر سهم سایر ورثه، چگونه بین دختر و پسر، تقسیم فرموده است. در آیه ۱۱ سوره نساء سه امر مبهم وجود دارد:

۱. معنا و مفهوم جمله « لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَّاتِ » چیست؟

۲. در کجای آیه سهم دو دختر مشخص شده است؛ زیرا دور از ذهن است که خداوند متعال سهم یک دختر و بیشتر از دو دختر را مشخص فرموده باشد، ولی سهم دو دختر را مشخص نکرده باشد.

۳. یک دوم یا یک سوم باقی مانده سهم دختران سهم چه کسی است؟

باقی مانده سهم دختران به یقین نمی تواند سهم پدر، مادر و شوهر باشد؛ زیرا

جمع سهم آنها بیشتر از یک دوم، و باقی مانده سهم دختران حداکثر یک دوم است و جمع یک دوم و بیشتر از یک دوم ممکن نیست.

با دقت در آیه «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» مشخص می شود که سهم دو دختر چقدر تعیین شده و باقی مانده سهم دختران، متعلق به چه کسی است. به نظر می رسد معنای آیه این گونه است که اگر فرزندان شامل پسر و دو دختر باشند، پسر (خواه یک نفر باشد یا بیشتر) مانند دو دختر ارث می برد. از آنجا که پیش از این برای دو دختر سهم مشخص نشده است، اموال میت به دو قسمت مساوی تقسیم می شود؛ نصف آن به دو دختر، و نصف دیگر آن به پسر یا پسران داده می شود.^{۳۱}

سپس در فراز بعدی آیه؛ یعنی «فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ»، نیز در فرضی برای دختران یا یک دختر سهمی مشخص شده که فرزندان شامل دختر و پسر باشند؛ اگر دخترها بیشتر از دو نفر باشند، سهم آنها دو سوم، و اگر یک دختر باشد، سهم او یک دوم است و باقی مانده، سهم پسر است. حال اگر یک پسر باشد، همه یک سوم یا یک دوم باقی مانده سهم دخترها به او داده می شود و اگر بیشتر از یک پسر باشد، باقی مانده مال به طور مساوی بین آنها تقسیم می شود.

۳۱. در اینجا این پرسش برای محققان قرآنی مطرح می شود که جمله «فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» در آیه ۱۷۶ سوره نساء به چه معناست؟ الف و لام در کلمه «فَلِلذَّكَرِ» در آن آیه با توجه به قرینه «إِخْوَةٌ وَرِجَالٌ»، الف و لام عهد ذکری است؛ یعنی برادران میت است. منظور از «أُنثِيَيْنِ» نیز با توجه به قرینه کلام، دو خواهر میت است. بنابراین جمله «فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» در آن آیه در صدد بیان سهم برادر در صورتی که تعداد آنها بیشتر از دو نفر باشد است و می فرماید: سهم برادران مثل سهم دو خواهر است و از آنجا که قبل از این عبارت، سهم دو خواهر دو سوم تعیین شده، بنابراین سهم برادران نیز مانند دو خواهر، دو سوم است. توضیح بیشتر آن در مقاله ای خواهد آمد که سهم وارثین را در صورتی که میت فرزند نداشته باشد، بررسی می کند.

در این پژوهش براساس ظاهر قرآن اثبات شد که در هیچ فرضی جمع سهام تعیین شده در قرآن کریم برای ورثه، بیشتر یا کمتر از مال میت نمی شود. برای تأیید این نظریه، به ادله عقلی، قرآنی و روایی نیز می توان استناد کرد.

دلیل عقلی

وقتی خداوند متعال در قرآن کریم به سهم هایی برای ورثه امر می کند و به متجاوزان وعده عذاب می دهد، باید مکلف بتواند به آن سهام عمل کند و اگر قائل شویم که همه سهم وراثت از اصل مال تعیین شده است، عمل به سهام تعیین شده در قرآن کریم ممکن نیست؛ زیرا در برخی فروض جمع سهام وراثت، از اموال میت بیشتر می شود. خداوند در سوره نساء بعد از اینکه سهم ورثه را مشخص می کند، می فرماید:

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَكَهُنَّ مِهِينٌ^{۳۲}.

منظور از حدود خدا در اینجا احکام ارث و فرائض و سهام معین شده است که خداوند متعال تجاوز از این حدود را گناهی بزرگ دانسته و به متجاوزان، وعده عذاب داده است.

واضح است که هرگونه کاهش یا افزایش سهم ورثه به هر عنوان، تجاوز از حدود الهی است. طبق نظریه جدید، به هیچ یک از ورثه سهمی بیشتر یا کمتر از سهم مشخص شده در قرآن کریم داده نمی شود.

دلیل قرآنی

با دقت در آیات ارث متوجه خواهیم شد که خداوند بعد از تعیین سهم دختران، از تعبیر «ماترك»، و بعد از تعیین سهم سایر ورثه در صورتی که میت اولاد

۳۲. سوره نساء، آیه ۱۳ و ۱۴.

داشته باشد، از تعبیر «مما ترك» استفاده فرموده است. همچنین در آیه ۱۱ سوره نساء بعد از تعیین سهم دو سوم برای دختران از عبارت «ماترك»، و در آیه ۱۷۶ بعد از تعیین سهم دو سوم برای دو خواهر میت از تعبیر «مما ترك» استفاده فرموده است. علت این اختلاف تعابیر چیست؟ ما معتقدیم که هیچ حرفی در قرآن زائد نیست؛ بلکه در برخی آیات درك حتی یک حرف هم راه گشای فهم قرآن کریم خواهد بود.

به نظر ما با توجه به قرائن، هر کجای قرآن کریم بعد از تعیین سهم ورثه تعبیر «مما ترك» آمده، سهم آن ورثه ثابت و از اصل مال تعیین شده است و هر کجا بعد از تعیین سهم ورثه تعبیر «ما ترك» آمده، سهم آن ورثه متغیر و از باقی مانده مال تعیین شده است. همچنین اگر بعد از تعیین سهم ورثه، از تعبیر «مما ترك» و «ما ترك» استفاده نشده، از قرینه مشخص می شود که سهم آن ورثه از «ما ترك» است یا از «مما ترك». برای مثال در تعیین سهم بیشتر از دو دختر، از لفظ «ما ترك» استفاده شده، ولی در تعیین سهم یک دختر از هیچ لفظی استفاده نشده است. در این مورد، از قرینه سهم بیشتر از دو دختر مشخص می شود که سهم دختران از «ماترك» است.

ادله روایی

دو دسته روایت از اهل بیت (علیهم السلام) به ما رسیده است. دسته اول، روایاتی است که به طور کلی می فرماید: نباید سهام ورثه کم یا زیاد بیاید؛^{۳۳} دسته دوم، روایاتی هستند که به طور مصداقی سهام ورثه را به صورتی تعیین کرده اند که اضافه یا کم نمی آید؛ زیرا در این روایات برای اولاد میت اگر فقط دختر باشند، سهم معین و ثابتی مشخص نشده است. البته اکثر فقها روایتی را که مشهور علما به آن عمل نکرده باشند نمی پذیرند، حتی اگر آن روایت از نظر سند صحیح باشد؛

۳۳. ر. ک: کلینی، کافی، ج ۷، ص ۷۹، کتاب المیراث.

همچنین روایتی را که مشهور علما به آن عمل کرده باشند می پذیرند، هر چند سند آن روایت ضعیف باشد. بنابراین فقط به عنوان مؤید، روایاتی را ذکر می کنیم و قضاوت آن با خوانندگان محترم خواهد بود.

روایت اول:

يَا سَنَادَهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ حَمَّادِ ذِي النَّابِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي رَجُلٍ مَاتَ وَتَرَكَ ابْنَتَيْهِ وَأَبَاهُ قَالَ: لِلأَبِ السُّدُسُ وَلِلابْنَتَيْنِ الْبَاقِي ...؛^{۳۴}

از امام صادق (ع) نقل شده که ایشان در مورد مردی که فوت شده و وارثان او پدر و دو دختر میت هستند، چنین می فرماید: سهم پدر یک ششم است و بقیه ماترك به دو دختر داده می شود.

امام صادق (ع) در این فرض سهم معینی برای فرزندان میت که فقط دختر هستند مشخص نفرموده؛ ولی علمای شیعه و سنی در این فرض می فرمایند: سهم پدر یک ششم، و سهم دو دختر دو سوم است و به اندازه یک ششم سهام ورثه کم، و اموال میت زیاد می آید. فقهای شیعه در این فرض زیادی مال را به نسبت بین پدر و دو دختر تقسیم می کنند. در نتیجه سهم پدر یک پنجم و سهم دو دختر چهار پنجم می شود. فقهای اهل سنت یک ششم اضافی را فقط به پدر میت می دهند و سهم پدر دو ششم می شود. علوم انسانی و مطالعات فقهی

روایت دوم:

أَبُو عَلِيٍّ الشَّعْرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ، عَنْ صَفْوَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خَدَّاشِ الْمَنْقَرِيِّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ مَاتَ، وَتَرَكَ ابْنَتَهُ وَأَخَاهُ، قَالَ: الْمَالُ لِلابْنَةِ؛^{۳۵}

۳۴. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۶، ص ۱۳۱؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۲۷۴.

۳۵. کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۸۷، ح ۴.

روایت شده که از امام کاظم (ع) درباره تقسیم میراث مردی سؤال شد که یک دختر و یک برادر از او به جا مانده بود. حضرت در جواب فرمودند: همه مال به دخترش داده می شود.

در این روایت حضرت نفرموده نصف ارث به دختر داده می شود. بالفرض چون سهم مشخص شده او در قرآن کریم نصف است و نصف دیگر به دلیل قرابت به او داده می شود. اما علمای شیعه می فرمایند: در این فرض سهم دختر نصف ماترك است و نصف مال زیاد می آید و چون وارث نزدیک تری به میت وجود ندارد، نصف دیگر نیز به دلیل قرابت به او داده می شود. علمای اهل سنت هم می فرمایند: سهم دختر نصف ماترك است و زیادی مال به عصبه، یعنی برادر میت داده می شود.

روایت سوم:

امام باقر (ع) در مورد میراث زنی که فوت شده و وارثان او شوهر، پدر و مادر و یک دختر بودند، چنین فرموده اند:

عَلِيَّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ؛ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ جَمِيعاً، عَنْ عُمَرَ بْنِ أَذْيَنَةَ، قَالَ: قُلْتُ لِرِزْرَةَ: إِنِّي سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمٍ وَ بُكَيْرَ أَيْرُوبَانَ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي زَوْجٍ وَ أَبْوَيْنٍ وَ ابْنَةٍ، فَلِلزَّوْجِ الرَّبْعُ ثَلَاثَةُ أَشْهُمٍ مِنْ اثْنَيْ عَشَرَ سَهْمًا، وَ لِلأَبْوَيْنِ السَّدْسَانِ أَرْبَعَةٌ أَشْهُمٍ مِنْ اثْنَيْ عَشَرَ سَهْمًا، وَ بَقِيَ خَمْسَةٌ أَشْهُمٍ فَهُوَ لِلابْنَةِ؛ لِأَنَّهَا لَوْ كَانَتْ ذَكَرًا لَمْ يَكُنْ لَهَا غَيْرُ خَمْسَةٍ مِنْ اثْنَيْ عَشَرَ سَهْمًا، وَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا خَمْسَةٌ مِنْ اثْنَيْ عَشَرَ سَهْمًا؛ لِأَنَّهُمَا لَوْ كَانَا ذَكَرَيْنِ لَمْ يَكُنْ لَهُمَا غَيْرُ...؛^{۳۶}

برای شوهر یک چهارم، معادل سه سهم از دوازده سهم؛ برای پدر و مادر در مجموع دو ششم، معادل چهار سهم از دوازده سهم؛ و آنچه باقی

می ماند که معادل پنج سهم است، برای تنها دختر او خواهد بود. اگر به جای یک دختر یک پسر وارث بود، باز هم بیش از پنج سهم از دوازده سهم نصیب او نمی شد و اگر به جای یک دختر، دو دختر بود، سهم آن دو همین پنج سهم از دوازده سهم بود و اگر به جای دو دختر دو پسر وارث بودند، باز هم نصیب آن دو پسر، بیش از دوازده سهم نمی شد.

بنابراین در این روایت نیز تصریح شده که اگر اولاد میت همگی پسر یا دختر باشند، سهم مشخصی ندارند و باقی مانده مال به آنها داده می شود.

روایت چهارم:

أبو بصیر عن أبي عبد الله (ع)، قال: أربعة لا يدخل عليهم ضرر في الميراث: الوالدان، والزوج، والمرأة؛^{۳۷}
امام صادق (ع) می فرماید: در تقسیم ارث به چهار نفر ضرر وارد نمی شود: پدر، مادر، شوهر و زن.

از این روایت می توان استنباط کرد که سهم همه ورثه از اصل مال نیست؛ بلکه سهم غیر فرزندان از اصل مال، و سهم فرزندان از باقی مانده مال است؛ زیرا اگر سهم همه ورثه از اصل مال باشد، همه ورثه باید ضرر کنند؛ به عنوان مثال اگر میت زن، و ماترك وی ششصد هزار تومان باشد، سهم پدر، یک ششم؛ یعنی صد هزار تومان است. اگر وارثان دیگر مثل مادر و شوهر نیز اضافه شوند، به آنها نیز سهمشان داده می شود و ضرری به سهم پدر وارد نمی شود و سهم وی همان صد هزار تومان است؛ اما با افزایش سایر ورثه، دختران ضرر می کنند؛ چرا که سهم آنها از باقی مانده مال است و هر چه تعداد وارثانی که از اصل مال میت ارث می برند بیشتر باشد، مال کمتری نصیب دختران می شود. البته سهم آنها تغییر نمی کند و همان نصف یا دو سوم است؛ اما هر چه باقی مانده مال بیشتر باشد، مال

۳۷. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۶، باب ۷ از ابواب موجبات ارث، ص ۷۷، ح ۳.

بیشتری نصیب دختران می شود.

برخی از علمای شیعه، ضرر در این روایت را به معنای کاهش گرفته و فرموده اند که چون طبق این روایت، از سهم پدر، مادر، شوهر، و همسر کم نمی شود، پس از سهم دختران کاسته می شود. ولی صحیح نیست ضرر را به معنای کاهش بگیریم؛ زیرا هیچ کس حق ندارد از سهمی که خداوند برای دختران قرار داده، کم کند. بنابراین ضرر در این روایت همان معنای لغوی خود را دارد (یعنی ضرر و زیان مالی).

روایات دیگری نیز وجود دارد که اثبات می کند اگر همه اولاد میت دختر باشند، سهم مشخصی ندارند و باقی مانده مال به آنها داده می شود؛ لکن برای رعایت اختصار از ذکر این روایات صرف نظر می کنیم.

البته روایاتی از اهل بیت (ع) در کتاب های معتبر شیعه نقل شده که از آنها می توان استفاده کرد سهم هر پسر دو برابر سهم دختر است؛ مانند روایتی که در آن آمده:

علي بن سالم، عن أبيه، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام، فقلت له: كيف صار الميراث للذكر مثل حظ الأنثيين؟ فقال: لأنّ الحبّات التي أكلها آدم وحواء في الجنة كانت ثمانين عشرة حبة، أكل آدم منها اثنتي عشرة حبة، وأكلت حواء ستاً...؛^{۳۸}

علت اینکه سهم پسر دو برابر دختر است، این است که حضرت حوا و آدم در بهشت در مجموع، هجده عدد گندم خوردند و از این تعداد، دوازده عدد آن را حضرت آدم (ع) و شش عدد آن را حضرت حوا خورد.

در روایت دیگری آمده:

عن الرضا (ع) عن آبائه، عن علي (ع) - في حديث -: إن رجلاً سأله، لم صار الميراث للذكر مثل حظ الأنثيين؟ فقال: من قبل السنبله كان عليها ثلاث

۳۸. همان، ص ۹۶، ح ۶.

حَبَات، فبادرت حواء فاكلت منها حبة، و اطعمت آدم حبتين، فلذلك ورث
الذكر مثل حظ الانثيين؛^{٣٩}

چون حضرت آدم(ع) و حوا در مجموع سه گندم خوردند که دو عدد آن را
حضرت آدم و یک عدد دیگر را حضرت حوا خورد، سهم پسر دو برابر سهم
دختر است.^{٤٠}

یا در روایتی دیگر آمده:

قال: فذكر ذلك بعض اصحابنا لابي عبدالله(ع)، فقال: إن المرأة ليس
عليها جهاد، ولا نفقة ولا معقلة، وانما ذلك على الرجال، فلذلك جعل
للمرأة سهماً واحداً وللرجل سهمين؛^{٤١}

چون جهاد و نفقه بر عهده مرد است، سهم پسر دو برابر سهم دختر است.

همچنین در روایتی دیگر نقل شده:

يونس بن عبدالرحمن، عن ابي الحسن الرضا(ع)، قال: قلت له: كيف صار
الرجل إذا مات وولده من القرابة سواء، يرث [ترث] النساء نصف ميراث
الرجال، هن أضعف من الرجال، وأقل حيلة؟ فقال: لأن الله عز وجل فضل
الرجال على النساء درجة، لأن النساء يرجعن عيالا على الرجال؛^{٤٢}

به دلیل فضیلت مرد بر زن، سهم پسر دو برابر دختر است. (البته مشهور
فقهها معتقدند نوه پسری هر چند دختر باشد، از نوه دختری اگر چه پسر باشد،
بیشتر ارث می برد).

با این حال ما نمی توانیم به دلیل چند روایت، از ظاهر قرآن دست برداریم و
علت حکم مشهور فقها نیز این روایات نیست؛ بلکه برداشت آنها از قرآن کریم این
است که هر پسر دو برابر دختر ارث می برد که مفصل به نقد این برداشت پرداختیم.

٣٩. همان، ص ٩٦، ح ٦.

٤٠. همان، ح ٧.

٤١. همان، ص ٩٣، ح ١.

٤٢. همان، ص ٩٤، ح ٢.

متأسفانه شاهد هستیم که برخی افراد، از برداشت مشهور فقها، علیه قرآن استفاده می‌کنند و در فضای مجازی و اینترنت، قضیه تقسیم ارث قرآن را در صدر می‌آورند و ادعا می‌کنند که قرآن کلام وحی نیست و نویسنده آن حساب ساده ریاضی را نمی‌دانسته و به همین دلیل سهام ورثه را به گونه‌ای تقسیم کرده که همواره مسلمانان در عمل به آن با مشکل افزایش یا کاهش سهام ورثه روبه‌رو می‌شوند. امیدواریم این مقاله پاسخی محکم و قانع‌کننده به شبهه افکنان علیه قرآن کریم باشد.

رفع اشکال

ممکن است گفته شود که درست است بین سهم الارث دختر و پسر تبعیض وجود ندارد، در عمل، در برخی فروض، دختران سهم الارث بیشتری نصیبشان می‌شود؛ برای مثال اگر وارثان، یک دختر و ده پسر باشند، سهم یک دختر نصف و سهم ده پسر نیز نصف است و این خلاف عدالت و عرف است و مردم آن را نمی‌پذیرند. جواب این شبهه آن است که تعیین سهم برای وراثت کاملاً تبعیدی است و باید بدون چون و چرا مطابق دستور خداوند عمل شود. آنچه مسلم و قطعی است، در قرآن کریم سهم یک دختر نصف تعیین شده است. اگر تصور شود نصف دیگر آن سهم غیر فرزندان است باید عرض کنیم، یا میت زن است و وارثان دیگر او پدر، مادر و شوهر هستند که جمع سهم آنها بیشتر از نصف است؛ یا میت مرد است و وارثان دیگر او پدر، مادر و همسر هستند که جمع سهم آنها کمتر از نصف است. بنابراین باقی مانده سهم یک دختر نمی‌تواند سهم غیر فرزندان باشد. لذا باید بپذیریم که باقی مانده سهم یک دختر، سهم پسر است.

نتیجه

از مباحث مطرح شده نتیجه می‌گیریم در قرآن کریم بین سهم الارث دختر و پسر تفاوت وجود دارد، ولی هرگز تبعیض نیست؛ زیرا در تقسیم ارث، ابتدا سهم

پدر، مادر، شوهر یا همسر - اگر زنده باشند - خارج می شود و باقی مانده مال، سهم فرزندان است؛ خواه یک نفر باشد یا بیشتر.

حال اگر فرزندان فقط دختر یا پسر باشند، باقی مانده مال به طور مساوی بین آنها تقسیم می شود و اگر شامل دختر و پسر باشند، از چند حالت خارج نیست: یا یک دختر بین آنهاست یا دو دختر یا بیشتر از دو دختر. خداوند در قرآن کریم سهم یک دختر و دو دختر را نصف، و سهم بیشتر از دو دختر را دو سوم تعیین فرموده و باقی مانده مال، متعلق به پسر است؛ خواه یک پسر باشد یا بیشتر.

مؤید این نتیجه آیه هفت سوره نساء است؛ زیرا از ظاهر آیه شریف استفاده می شود که بین سهم مرد و زن تبعیض وجود ندارد:

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا.

ردیف	فرزندان میت	سهم الإرث
۱	فقط دختر دارد	سهم مشخص ندارد؛ لذا باقی مانده سهم غیر فرزندان برای آنهاست.
۲	فقط پسر دارد	سهم مشخص ندارد؛ لذا باقی مانده سهم غیر فرزندان برای آنهاست.
۳	یک دختر و یک پسر یا بیشتر دارد	نصف باقی مانده سهم غیر فرزندان برای یک دختر است و نصف دیگر آن برای پسر است.
۴	دو دختر و یک پسر یا بیشتر	نصف باقی مانده سهم غیر فرزندان برای دو دختر است و نصف دیگر آن برای پسر است.
۵	بیشتر از دو دختر و پسر دارد (خواه یک پسر یا بیشتر)	دو سوم باقی مانده سهم غیر فرزندان برای بیشتر از دو دختر است و یک سوم دیگر آن برای پسر است.

منايع و مأخذ

- ١ . قرآن كريم .
- ٢ . حرّ عاملی، وسائل الشيعه، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ١٤١٢هـ. ق.
- ٣ . زمخشری، الكشاف، قاهره، چاپ استقامة، ١٣٦٥هـ. ق.
- ٤ . سيوطی، محمد جلال الدين عبد الرحمن بن ابى بكر، الدر المثور في التفسير الماثور، چاپخانه اسلاميه، ١٣٧٧هـ. ق.
- ٥ . شهيد اول، محمد بن جمال الدين مكى عاملی، اللمعة الدمشقية، تصحيح و اعراب: مصطفى نصر اللهی و ابراهيم محمدی، قم، گنج عرفان، ١٣٨١ .
- ٦ . شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، دار الكتب الإسلامية، ١٤١٠هـ. ق.
- ٧ . طبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ١٣٣٩هـ. ش.
- ٨ . طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، التبيان في تفسير القرآن، مؤسسه نشر اسلامی، ١٤٢٠هـ. ق.
- ٩ . _____، تهذيب الأحكام، بيروت، دار التعارف، ١٤٠١هـ. ق.
- ١٠ . _____، الخلاف، مؤسسه نشر اسلامی، ١٣٨٥ .
- ١١ . طباطبایی، سيد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، دارالكتب الإسلامية، ١٣٧٢هـ. ش.
- ١٢ . علم الهدی، سيد مرتضى، الانتصار، بيروت، مؤسسه تاريخ عربی، بی تا.
- ١٣ . كلینی، محمد بن يعقوب بن اسحاق، الكافي، چاپ آخوندى، ١٣٦٥هـ. ق.
- ١٤ . _____، الكافي، نشر دار الحديث، ١٣٨٧هـ. ش.
- ١٥ . فخر رازی، محمد بن عمر، التفسير الكبير، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤٠٨هـ. ق.
- ١٦ . مغنيه، محمد جواد، فقه امام جعفر صادق (ع)، قم، انتشارات قدس، بی تا.
- ١٧ . مصطفوی، سيد كاظم، فقه مقارن، مركز بين المللی ترجمه و نشر المصطفی، ١٣٩٠ .
- ١٨ . نجفی، محمد حسن، جواهر الكلام، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٨ .